



Ilam University



Iranian Association
of Constitutional Law

Foundations and Effects of Distributive Justice in the Civil Liability System

Majid Sarbazian¹, Amir Zahiri²

1. Associate Prof. at Law, Faculty of Humanities, Meybod University, Meybod, Iran. E-mail: sarbazian20@gmail.com

2. Department of Law, Islamic Azad University Branch Abadan, Abadan, Iran (Corresponding Author). E-mail: lawman_amir@yahoo.com

Article Info

ABSTRACT

Article type:

Research Article

Article history:

Received 13 Aug 2024

Received in revised form 12
Sep 2024

Accepted 28 Sep 2024

Available online 30 Sep 2024

Keywords:

Compulsory insurance,
civil responsibility,
Corrective justice,
Distributive justice,
harm.

During different periods, civil responsibility has been based on different theories, each of which suggests a specific method for compensation. From the 20th century onwards, a theory under the title of "distributive justice in civil responsibility" has been proposed. Distributive justice is related to the fair distribution and sharing of benefits and harms of useful and necessary activities for today's life, which at the same time have far more serious and widespread risks. In this research, the question is, why is it necessary to bear the damage caused by one person to a group such as Aqila or the whole people (by paying the insurance company or by paying the insurance company)? In The Iranian law, distributive justice is not the main basis of civil responsibility and is an exception to the principle of corrective justice. It seems that the establishment of institutions such as insurance and support funds is one of the most important foundations of this type of justice, and the realization of this justice cannot be expected in all cases of civil liability. Also, the realization of distributive justice in the civil liability system will surely reduce accidents. Sometimes the damage caused is so heavy that it is beyond the power of the person causing the damage to compensate for it, Therefore And so the damage left uncompensated. For this reason, in modern law, the expanding thought in compensation is the discussion of distributive justice. On the basis of distributive justice, in such cases, the loss is borne by many people and the damage is compensated collectively, or the government assumes this role by providing funds or compulsory insurance, although some examples of losses through this type of distributive justice, which is an exception, it cannot be compensated. In this research, a descriptive-analytical method is used to achieve the goals.

Cite this article: sarbazian, Majid., zahiri, Amir. (2024). Foundations and Effects of Distributive Justice in the Civil Liability System.

Comparative Studies on Islamic Countries Law, 2 (3), 89- 104. <http://doi.org/10.22034/lcs.2024.2028044.1041>



© The Author(s).

DOI: <http://doi.org/10.22034/lcs.2024.2028044.1041>

Publisher: Ilam University.



Ilam University



Iranian Association
of Constitutional Law

مبانی و آثار عدالت توزیعی در نظام مسئولیت مدنی

مجید سربازیان^۱ | امیر زهیری^۲

۱. دانشیار گروه حقوق خصوصی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه میبد، میبد، ایران. رایانامه: sarbazian20@gmail.com

۲. گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد آبادان، آبادان، ایران (نویسنده مسئول). رایانامه: lawman_amir@yahoo.com

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۲۳

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۶/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۰۷

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۷/۰۹

کلیدواژه‌ها:

بیمه اجباری،

مسئولیت مدنی،

عدالت اصلاحی،

عدالت توزیعی،

مضار.

در طول ادوار مختلف، مسئولیت مدنی مبتنی بر نظریه‌های متفاوتی بوده که هر کدام روش خاصی را برای جبران خسارت پیشنهاد می‌دهند. از قرن بیستم به بعد نظریه‌ای تحت عنوان «عدالت توزیعی در مسئولیت مدنی» مطرح شد. عدالت توزیعی به توزیع و تسهیم عادلانه منافع و مضار فعالیت‌های مفید و ضروری برای زندگی امروز که در عین حال واجد خطرات به‌مراتب جدی‌تر و گسترده‌تری هستند، مربوط می‌شود. در این پژوهش به دنبال پاسخ به اینکه چرا در مواردی لازم است خسارتی را که یک شخص عامل آن بوده، به یک گروه مانند عاقله یا کل مردم (با پرداخت بیت‌المال یا با پرداخت از ناحیه بیمه‌گر) تحمیل نمود؟ در حقوق ایران، عدالت توزیعی مبنای اصلی مسئولیت مدنی نبوده و استثنایی است بر اصل عدالت اصلاحی. به نظر می‌رسد ایجاد نهادهایی چون بیمه و صندوق‌های حمایتی از مهم‌ترین مبانی این نوع عدالت است و تحقق این عدالت را نمی‌توان در تمام موارد مسئولیت مدنی قابل تحقق دانست. همچنین تحقق عدالت توزیعی در نظام مسئولیت مدنی بلاشک باعث کاهش حوادث خواهد بود. بعضاً ضرر وارده به میزانی سنگین است که جبران آن از توان واردکننده زیان خارج است. برای همین منظور در حقوق نوین، اندیشه روبه گسترش در جبران خسارت، بحث عدالت توزیعی است. بر مبنای عدالت توزیعی، در چنین مواردی، زیان بر دوش افراد متعدد سرشکن و خسارت به‌صورت جمعی جبران شود و یا اینکه دولت با پیش بینی صندوق‌ها یا بیمه‌های اجباری، این نقش را بر عهده می‌گیرد. هر چند برخی از مصادیق خسارات از طریق این نوع عدالت توزیعی که استثنا است قابل جبران نمی‌باشد. در این تحقیق از نوع بنیادی و از نظر رسیدن به اهداف از روش توصیفی - تحلیلی استفاده می‌گردد.

استناد: سربازیان، مجید؛ زهیری، امیر (۱۴۰۳). مبانی و آثار عدالت توزیعی در نظام مسئولیت مدنی. *مطالعات تطبیقی حقوق کشورهای اسلامی*، ۲ (۳)،

۸۹-۱۰۴

<http://doi.org/10.22034/lcs.2024.2028044.1041>

© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه ایلام.



مقدمه

عدالت توزیعی یکی از مسائل پرکاربرد و پراهمیت در عصر کنونی به شمار می‌رود. پیشرفت صنایع و تولید کالاهای مدرن به همان اندازه که برای راحتی زندگی، مفید و مؤثرند خطراتی را نیز به همراه دارند. رشد فناوری و ماشینی شدن جوامع به نوبه خود خطراتی را برای بشر به وجود آورده است و انسان را بر سر یک دوراهی قرار داده است. از یک طرف زندگی امروزه طوری شده که انسان به استفاده از کالاها و فن آوری های جدید نیاز دارد و از طرفی نیز در صورت استفاده ممکن است خسارتی به او وارد شود در چنین مواردی نیاز به مسئولیت مدنی بیش از پیش احساس می‌گردد. مسئولیت مدنی وسیله‌ای برای حفظ دوام زندگی مشترک اجتماعی است. لذا به تنظیم روابط اشخاص توجه خاصی دارد. مبانی قدیمی که برای مسئولیت مدنی ذکر شده مانند تقصیر و تکیه کردن بیش از حد بر اصل آزادی اراده طرفین امروزه نمی‌تواند پاسخ‌گوی نیازهای اجتماعی باشد. طبق نظریه تقصیر، فرد زیان‌دیده در صورتی می‌تواند جبران خسارت خود را بخواهد که تقصیر طرف مقابل را ثابت نماید. به این نوع مسئولیت «مسئولیت درون‌ذاتی» و به نظامی که تقصیر را به‌عنوان مبنای مسئولیت مدنی پذیرفته است سیستم محدود (مضیق) یا سیستم شخصی گویند. (بادینی، ۱۳۹۴، ص ۴۵)

عده‌ای مسئولیت مدنی را از هر نوع برنامه‌ای که فراتر از تحقق عدالت معاوضی باشد خالی می‌دانند و هدفی به‌جز تحقق قواعد درون سیستمی برای آن قائل نیستند. در مقابل عده‌ای دیگر آن را ابزاری برای تحقق اهدافی خارج از حیطه مسئولیت مدنی تلقی می‌کنند که مسئولیت مدنی باید خود را با آن‌ها وفق داده و در مسیر نیل به آن‌ها به حرکت درآید. یکی از این رویکردهای ابزارگرایانه نسبت به مسئولیت مدنی، رویکردی است که از آن در راستای تحقق عدالت اجتماعی و عدالت توزیعی بهره می‌گیرد. موضوع عدالت اجتماعی از دیر شمار جزء مهم‌ترین مباحث و دغدغه‌های بشر و اندیشمندان علوم گوناگون بوده است. عدالت اجتماعی، مفهوم وسیعی است و در هر حوزه‌ای کاربرد ویژه خود را دارد و در زندگی بشر، از حیات فردی گرفته تا نهادهای بسیار پیچیده اجتماعی به‌ویژه دولت و سیستم اداری آن مدنظر قرار می‌گیرد. عدالت اجتماعی حیات و بقای سیستم‌های اجتماعی را استمرار می‌بخشد و عناصر اجتماعی را در کنار یکدیگر منسجم می‌سازد، درحالی‌که بی‌عدالتی موجبات جدایی و اضمحلال آن‌ها را فراهم می‌آورد. یکی از ارکان اصلی عدالت اجتماعی، عدالت توزیعی است. امروزه بر اساس عدالت توزیعی، حکومت شایسته‌سالاری و مناصب اجتماعی را کارگردانی می‌نماید. در واقع در این نوع عدالت تقسیم حقوق لزوماً به معنای مساوی بودن حقوق در جامعه نیست. شاید اساس کار و شایسته عدالت نیز همین باشد. در عدالت توزیعی حکومت، دولت و مجریان امور می‌کوشند تا در جامعه یک نظام هماهنگ برگرفته از یک اندیشه منظمی حاکم باشد و هر جا که موانعی بر سر راه تحقق عدالت باشد اشخاصی که در این عرصه فعالیت دارند جهت رفع موانع وارد می‌شوند. در عدالت توزیعی مسئولیت طرفین عقد فقط اجرای تعهدات قراردادی نیست بلکه دامنه آن تا جبران خسارت ناشی از نقض تعهد ادامه دارد. هم‌چنین از نظر مفهوم الگویی عدالت توزیعی، ضرر مطلق بدون در نظر گرفتن سبب آن باید در بین اعضای جامعه توزیع شود چراکه از این منظر هدف تنها افزایش رفاه زیان‌دیدگان و آسیب‌دیدگان و جامعه به‌طور کلی است نه چیز دیگر. مسئولیت مدنی در قبال سیاست‌های عدالت توزیعی مانند یک ابزاری عمل می‌نماید و در چارچوب ابزارگرایی تحلیل می‌شود. این تحقیق به دنبال پاسخ به مبانی و تحقق عدالت توزیعی و نیز تأثیر آن بر کاهش حوادث است. چارچوب اصلی تحقیق در این مقاله مبانی عدالت توزیعی، دیدگاه مطروحه در ارتباط با عدالت توزیعی و تحقق عدالت توزیعی در مسئولیت مدنی است. چندین مقاله در این راستا چاپ گردیده از جمله:

۱- بررسی جایگاه عدالت توزیعی در مسئولیت مدنی است، که مسئولیت مدنی و عدالت خواهی را جزئی از مباحث عدالت اجتماعی در جامعه می‌داند و به بررسی اثر عدالت توزیعی بر مسئولیت مدنی می‌پردازد. همچنین عدم پاسخگویی و انعکاس‌هایی در خصوص عدالت توزیعی در مسئولیت مدنی را تبیین نموده و در نهایت اساس را بر پایه نظریه تقصیر استوار می‌داند. در نهایت به صندوق تأمین خسارت بدنی، که آن را از مهم‌ترین مصادیق انعکاس عدالت توزیعی در مسئولیت مدنی در حقوق ایران می‌داند و مقاله بیشتر در وظایف و کارکرد و نحوه پرداخت توسط صندوق و نهایت آن را مصادیقی از مصادیق عدالت توزیعی می‌داند. (نصرارکن و غیره، ۱۳۹۸)

۲- مقاله دوم، مبانی اقتصادی توزیع خسارت در مسئولیت مدنی: در این مقاله به توزیع خسارت در حقوق ایران و کامن لا پرداخته شد و مصادیقی را بیان می‌دارد. و توجیه مشارکت مردم در توزیع خسارت و جبران آن را نیز بیان می‌دارد. (مولودی و غیره، ۱۳۹۷)

هرچند مقالاتی در این راستا بیان شده اما هر کدام صرفاً به یک موضوع یا مصداق پرداخته است و وجه اختلاف پژوهش حاضر در این است که، مبنا و آثار اعمال عدالت توزیعی را به‌طور هرچند مختصر در یک جا بیان می‌دارد.

۱. مفهوم عدالت توزیعی

عدالت توزیعی، عدالتی است که بر اساس توزیع منافع و مضار متساوی بین تمامی افراد جامعه و بر اساس معیار و الگویی که مورد قبول شرع باشد، بین تمام افراد اجتماع تقسیم می‌گردد. عدالت توزیعی در ابتدا به وسیله مقام‌های عمومی و دولت در توزیع مشاغل و مزایا و مناصب بکار می‌رود. مثلاً مالیات بر درآمد می‌گیرند یا مالیات خرید و فروش یا بیمه رایگان برای تأمین اجتماعی افراد تهی دست تهیه می‌کنند. (Calabresi, ۲۰۰۵: ۸۶).

عدالت توزیعی از حیث اقتصادی در معنای خاص کلمه، یعنی تقسیم امکانات و خدمات به‌صورت عادلانه بین همه اعضای جامعه، به‌گونه‌ای که همه بتوانند این فرصت را داشته باشند تا از آن منابع بهره‌برنده بگردند. در خصوص معیارهای توزیع عادلانه مکاتب مختلف قائل به معیارهایی بوده‌اند که با جمع تمامی نظریات می‌توان سه معیار نیاز، کار و برابری یا مساوات را بیان داشت. عدالت در این قسم، اصل و معیاری است که بر تقسیم مواهب و یا تکالیف اجتماعی حاکم می‌باشد. در اینجا مسئله این است که تقسیم مواهب و تکالیف اجتماعی چگونه باید باشد. عدالت توزیعی که ارسطو از آن سخن به میان آورده است، به این معنا است که عدالت باید به نحوی باشد که خیر عمومی به شکل مساوی از همان روز اول در اختیار اعضای اجتماع قرار گیرد. تعریف عدالت توزیعی مورد نظر ارسطو هرچند بعد از آن نظریه رالز بیان شده، تقریباً مورد توافق تمامی دانشمندان قرار گرفته است. در این تعریف بر این نکته تأکید گردیده که در ابتدا باید امکان و فرصت‌های اجتماعی مساوی در اختیار افراد قرار بگیرد. البته ممکن است برخی در استفاده از این امکان کوتاهی کنند یا به‌خوبی از آن بهره‌برداری نمایند اما نخست در توزیع این فرصت‌ها برای خیر عمومی باید مساوی باشد. به‌رحال عدالت توزیعی به معنی برابری و مساوات و توزیع ریاضی مزایا و محرومیت‌ها می‌باشد. (موحد، ۱۳۸۱: ۳۱۴) همچنین عدالت توزیعی در ارتباط با چیزی است که انسان به‌عنوان جزئی از کل (جامعه سیاسی) استحقاق آن را دارد، درحالی‌که عدالت اصلاحی حاکم بر رابطه جزئی با جزئی دیگر است. (Summa Theologiae, ۱۹۹۱, p۳۸۷)

بر مبنای عدالت توزیعی حقوق و تکالیف بین کل افراد اجتماع توزیع می‌گردد. «و دارای سه رکن، امتیاز یا تکلیف توزیع شده؛ افرادی که امتیاز یا تکلیفی در بین آن‌ها توزیع می‌شود؛ معیاری که بر اساس آن توزیع انجام می‌شود؛ بر اساس این اصول سه‌گانه، بی‌عدالتی زمانی تحقق می‌یابد که کسی بر اساس الگوها کمتر یا بیشتر از سهم خود داشته باشد. پس حق و معیار عدالت توزیعی تابع نظام مسئولیت مطلق و کاملی است، به‌نحوی که برای قبول دعاوی مبتنی بر عدالت توزیعی، اثبات رابطه سببیت ضرورتی ندارد.» (بادینی، ۱۳۹۴: ۹۱)

۱-۱. عدالت توزیعی از دیدگاه جان رالز

رالز بعد از بیان عدالت و دیدگاه خود در این زمینه و مخالفت با مکتب فایده‌گرایی با الهام از برخی فلاسفه همچون روسو و کانت، معیاری که مبتنی بر قرارداد اجتماعی است و آن را «عدالت به‌عنوان انصاف» نامیده است برای عدالت توزیعی ارائه می‌دهد و در دو زمینه از مسیر لیبرالیسم فاصله می‌گیرد. اول آنکه نظریات خود را از لیبرالیسم بر پایه ارزش عدالت استوار می‌سازد. دوم آنکه آزادی را به دو دسته آزادی اساسی همچون آزادی اندیشه و بیان و آزادی غیراساسی همچون آزادی اقتصادی بخش می‌نماید و بر اساس جریان حاکم، جواز محدودیت آزادی‌های غیراساسی را صادر می‌نماید. (آرمان مهر و دادگر، ۱۳۸۸: ۵۶). هدف ایده‌آل رالز، تکوین جامعه‌ای موزون و متعادل است. جامعه‌ای که در آن سهم هر یک از افراد از خیر و منفعت به‌واسطه نهادینه شدن مفهوم عدالت مبتنی بر آزادی‌ها برابر، تقسیم می‌گردد. روش رالز این است که بیان می‌دارد وقتی فکر ما در پی مباحث اصلی مرتبط با عدالت است و در صدد آنیم که به قواعدی دست یابیم که ساختار بنیادین یک جامعه عادل از آن درست شده است، باید جمعی از افراد را در نظر آوریم که در وضعیت اولیه قرار دارند، رالز جمعی از اشخاص را در ذیل مثالی می‌آورد که به نوعی بیماری دچار شده و کلاً شخصیت خود را فراموش کرده‌اند و خود را کسی دیگر می‌پندارند و چیزی از خود بیاد نمی‌آورند و نوعی نسیان بر آن‌ها چیره شده است. (رالز، ۱۳۸۸: ۴۲). رالز این اشخاص را اشخاصی جعلی دانسته که صرفاً در ابزار بازنمایی ما وجود دارند و در بازی تجربه فکری ما نقشی را بر عهده گرفته‌اند (همان: ۱۴۷). او معتقد است آنچه این افراد با این شرایط در این وضعیت اولیه بر روی آن توافق می‌کنند تا یک قانون اساسی شکل بگیرد، بیانگر عدالت است. نکته قابل توجه آن است که این دسته از افراد اصول واقعی عدالت را استنتاج نمی‌کنند بلکه تنها آنان را از میان سایر بدیل‌های ممکن انتخاب می‌کنند.

دیدگاه رالز در مورد عدالت توزیعی به ساخت جامعه و نهادهای درون آن معطوف می‌باشد. نهادهای اجتماعی شیوه تقسیم منابع را معین می‌کند و قواعد تعیین حقوق، مزایا و انباشت سرمایه را در بردارند. در نظر وی، عدالت صرفاً به رفاه فردی انسان گره خورده است برخلاف نظریه مطلوبیت‌گرایان که ملاک را حداکثر شدن مطلوبیت‌گرایان اگر مطلوبیت کل در پی برده‌داری حداکثر باشد، آنان آن را ناعادلانه نمی‌دانند، اما طبق قرارداد اجتماعی اگر از همان برده پرسیده شود که آیا این نظام ناعادلانه است یا خیر، مسلماً خواهد گفت خیر. (همان: ۳۰۰) از این‌رو تمامی نظریات عدالت به‌مثابه انصاف با این ایراد مواجه‌اند که چه التزامی به رعایت عدالت توزیعی و برابری بنیادی اشخاص وجود دارد؟

۱-۲. عدالت توزیعی از دیدگاه شهید مطهری

در نگاه ایشان، عدالت چیزی نیست که با وضع قانون یا توافق جمعی یا رواج و شیوع آن در عرف جاری جامعه، ارزش و اعتبار یافته است. این ذات عدالت است که منشأ و مبدأ مشروعیت عدالت است نه یک قرارداد و یا توافق اجتماعی و بشری. به‌عبارتی دیگر مردم

دارای یک رشته حقوق واقعی قطع نظر از فرامین شارع مقدس هستند و عدالت یعنی رعایت و حفظ همین حقوق واقعی؛ و اسلام به حقیقت بیانگر آن حقوق و اجرا کننده اصل عدالت می‌باشد (مطهری، ۱۳۶۹: ۴۰). علاوه بر این استاد برای عدالت شأن فرا دینی قائل بوده و آن را در سلسله علل احکام نه در سلسله معلولات دانسته‌اند (مطهری، ۱۴۲۰ ق: ۱۴). شهید مطهری در ذیل کتاب خود چهار معنا را برای عدل بیان کرده و سه معنای آن را مربوط به عدالت توزیعی می‌داند. (مطهری، ۱۳۹۰- الف: ۶۰-۵۴).

۱-۳-۱. اهداف عدالت توزیعی

هر عدالتی دارای اهداف خاص خود می‌باشد عدالت توزیعی نیز دارای اهدافی است که عبارت‌اند:

۱-۱-۳. موزون بودن

اگر جامعه‌ای بخواهد باقی و پایدار بماند باید متعادل باشد یعنی هر چیزی در آن به قدر ضرورت (نه به قدر مساوی) وجود داشته باشد. از جهت تعادل اجتماعی، بایستی میزان نیازمندی‌ها سنجیده شود و با تناسب میان نیازمندی‌ها، بودجه و نیرو مصرف شود. نقطه مقابل عدل بدین معنی، بی‌تناسبی است نه ظلم و جهان هستی سراسر آراسته به این تعادل و موزونی می‌باشد.

۱-۲-۳. تساوی و رفع هر گونه تبعیض

مساوات به معنای برابری مطلق نمی‌باشد. زیرا که برابری مطلق در اقتصاد، تبدیل به ظلم می‌گردد پس اگر عدالت را به معنای مساوات بگیریم و مساوات را به معنای برابری مطلق این ابتدائاً شدنی نمی‌باشد. ثانیاً ظلم و تعدی می‌باشد و نمی‌تواند عدالت باشد. ثالثاً بر هم زنده اجتماع است، زیرا در نظام طبیعی خدادادی میان انسان‌ها تفاوت و تمایز وجود دارد. این اختلاف سطح‌ها و تفاوت‌هاست که حرکت‌ها را به وجود آورده و مایه جذب انسان‌ها به همدیگر شده است. (مطهری، ۱۳۶۸: ۳۰۹) بنابراین مفهوم عدالت بدین معنا نیست که همه مردم از همه نظر در یک حد و مرتبه باشند. جامعه خودبه‌خود مقامات و درجات دارد و باید تقسیم‌بندی شود و راه منحصر آن آزاد گذاشتن افراد و زمینه مبارزه و مسابقه را فراهم کردن برای آنان است.

مساوات یعنی منابع مساوی برای همه، میدان مسابقه یکسان برای همگان، تا اگر کسی همت والاتری داشت بتواند به کمال لایق برسد. آنچه باید سریعاً حذف شود ناهمواری‌ها و پستی‌ها و بلندی‌ها و بالا و پائین‌ها و تبعیض‌هایی است که منشأ آن غالباً سنت‌ها و عادات و یا زورگویی و ظلم ورزی می‌باشد. در مساوات نیایست هیچ ملاحظه شخصی در کار باشد. همه باید از این نظر، با هم مساوی باشند. (مطهری، ۱۳۶۹: ۹۱-۸۷)

۱-۳-۳. رعایت حقوق افراد و عطا کردن حق هر ذی‌حق به او

ظلم در برابر این معنا از عدل است. ظلم یعنی پایمال کردن حقوق و تعدی و تصرف در حقوق سایرین، این عدالت متکی بر دو چیز است، یکی حقوق و اولویت‌ها یعنی افراد بشر نسبت به هم و در مقایسه با همدیگر، نوعی حقوق و اولویت نسبت به آن محصول پیدا می‌کند. دوّم، خصوصیت ذاتی انسان است که طوری خلق شده است که در کارهای خود الزاماً نوعی از اندیشه‌ها که آن‌ها را اندیشه اعتباری می‌نامیم، به کار می‌برد و با استفاده از آنان به مقاصد طبیعی خود نائل می‌شود. این اندیشه‌ها یک سلسله اندیشه‌های انشائی است که باید و نبایدها مشخص می‌شوند. انسان‌ها در دنیا بر اساس خلقت خودشان و فعالیت‌هایی که می‌کنند و استعدادهایی که از خود نشان می‌دهند «استحقاق» می‌یابند. عدالت یعنی اینکه به قدر استحقاق هر شخصی به همان میزان به او داده شود اگر این قدر به او داده نشود این ظلم است و اگر بین دو نفر در شرایط مساوی، به یکی موهبتی داده شود و از دیگری دریغ شود این تبعیض است. (مطهری، ۱۴۲۰ ق: ۱۵۲)

۳-۱-۴. رعایت استحقاق‌ها در افاضه وجود و امتناع نکردن از افاضه و رحمت به آنچه امکان وجود یا کمال دارد.

این مورد که کمتر جنبه اقتصادی دارد بیان می‌کند که، کائنات در نظام خلقت از حیث قابلیت‌ها و امکان فیض‌گیری از مبدأ هستی با یکدیگر تفاوت دارند. خداوند به هر موجودی آنچه را که برای او ممکن است از وجود و کمال وجود، عطا کرده و دریغ نمی‌نماید. از این رو عدل خداوند عبارت است از بخشش گسترده و فیض عام در مورد همه موجوداتی که امکان هستی یا کمال در هستی دارند، بدون هیچ‌گونه امساک و یا تبعیض میان آنان.

تعاریفی که توسط شهید مطهری از کلمه عدل بیان گردید، می‌توان یک قاعده توزیعی را استخراج نمود؛ یکی در حوزه منابع اولیه و عوامل تولید، که باید در اختیار همه باشد تا که مورد فعالیت و بهره‌برداری قرار گرفته و در جهت عمران و آبادانی صرف شوند. (مطهری، ۱۴۲۰ ق: ۱۶۲) در قانون اساسی کشور ما می‌توان ردپایی از عدالت توزیعی یافت. برابر اصول ۴۳ و ۳۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از جمله الگوهایی از عدالت اقتصادی که در قانون اساسی وجود دارد عبارتند از: رفع فقر، تأمین نیازهای عمومی، رفع تبعیض و تراکم ثروت و نیز بهبود وضعیت اشتغال عمومی اشاره کرد. (بهرامی حسن آبادی و برزگر خسروی، ۱۴۰۲: ۶) این الگوها اگر در جامعه به نحو صحیح اجرایی گردد زمینه‌ای برای عدالت اقتصادی ایجاد خواهد کرد که از موارد اصلی عدالت اجتماعی و توزیعی خواهد بود.

۲. مبانی عدالت توزیعی در مسئولیت مدنی و راه‌های تحقق آن

در این مبحث نسبت به بررسی مبانی مسئولیت مدنی با عدالت توزیعی و سازگاری آن با عدالت توزیعی می‌پردازیم. و راه‌کارهایی را که در تحقق عدالت توزیعی مؤثر است را بیان می‌داریم.

۲-۱. نسبت سنجی عدالت توزیعی با مبانی مسئولیت مدنی

در اکثر جوامع سیاسی، برای ایجاد عدالت توزیعی پیشین، با مکانیزم دریافت مالیات و ایجاد نظام تأمین اجتماعی در تمام جامعه پخش می‌شود یا اشخاص با انعقاد عقود بیمه خصوصی خود را در مقابل حوادث ناشی از این حوادث بیمه می‌سازند. اما گاهی افراد با وارد کردن زیان به یکدیگر، عدالت توزیعی پیشین را به هم می‌زنند. حال این پرسش مطرح می‌شود که هزینه‌های این گونه حوادث که منشأ انسانی دارد، چه کسی باید تحمل کند: زیان دیده، واردکننده زیان، فرد یا افراد دیگری یا جامعه.

در عدالت اصلاحی هدف غایی جبران ضرر زیان دیده و بازگشت به وضعیت سابق است که در برخی موارد اجحافی در حق واردکننده ضرر می‌شود و شاید جبران زیان منجر به نابودی واردکننده زیان گردد. لذا در اینجا به روشن کردن مبانی مسئولیت مدنی پرداخته و نحوه جبران خسارت را بیان می‌داریم. در آخر نیز این مبانی را با رویکرد عدالت توزیعی کاوش می‌کنیم.

۲-۱-۱. عدالت توزیعی و نظریه تقصیر

قدیمی‌ترین نظریه‌ای که در حقوق اروپا و ایران به‌عنوان مبانی مسئولیت مدنی دیده می‌شود، نظریه تقصیر است. بر اساس این نظریه که با تأکید و محوریت فرد زیان‌زننده است، برای اینکه متضرر بتواند خسارت خود را از کسی بخواهد باید ثابت کند که تقصیر زیان‌زننده سبب ورود خسارت شده است. مبانی این نظریه بر این اصل استوار است که نمی‌توان فعل شخص خاطی و غیرخاطی را یکی دانست و این برخلاف عدالت است. در این نظام متضرر در صورتی می‌تواند عامل زیان را ملزم به جبران خسارت کند که بتواند تقصیر او را اثبات کند، به این معنا که اگر رفتار عامل زیان خطاکارانه بوده است، محکوم به جبران خسارت وارده خواهد شد والا عمل وی مورد تأیید

خواهد بود و از جبران خسارت معاف خواهد شد. (سعادت مصطفوی و پایکاری، ۱۳۹۶: ۱۶۸ و ۱۶۹). بر اساس این نظریه وجه اصلی مسئولیت عامل فعل زیان بار در قبال متضرر، تقصیر او است. طرفداران این نظریه اثبات تقصیر توسط متضرر را ملاک خود قرارداده و اگر تقصیر اثبات نشود خسارت به متضرر تحمیل می‌گردد و اصل را بر برائت می‌دانند. (بادینی، ۱۳۹۴: ۱۵۱).

۲-۱-۲. عدالت توزیعی و نظریه خطر

در قرن نوزدهم زندگی ماشینی و پیشرفت صنعتی و به تبع آن زندگی خطرناک پا در عرصه جهان گذاشت در این قرن حوادث ناشی از خطرات این نوع زندگی صنعتی افزایش یافت. آسیب‌های بدنی و جانی زیادی به اشخاص وارد می‌شد و اثبات تقصیر از عهده آسیب‌دیدگان در مقابل کارفرمایان امری سخت و گاهی غیرممکن بود. بیشتر این حوادث ناشی از حوادث کار و رانندگی بود. این امر باعث گردید که دگرگونی‌های ژرفی در نظریه مسئولیت قراردادی و قهری گردید. (Marty et Rynaud ۱۹۶۲: ۲۲۴)

در زندگی ماشینی و صنعتی در صورت وقوع حادثه ماشین و کارخانه تقصیری ندارد. لذا اثبات تقصیر توسط کارگر آسیب‌دیده ممکن نبود و شاید بسیار سخت است از طرفی آسیب‌دیدگان که کارگر هستند همگی اقشار مستضعف جامعه بودند و با توجه به عدم اثبات تقصیر، از گرفتن خسارت محروم می‌شدند. هم‌چنین در برخی موارد به دلیل آسیب‌های که منجر به از کارافتادگی از زندگی به کلی ناکام می‌شوند. (Mazeud, ۱۹۷۱: ۷۷)

در این نظریه حقوق‌دانان به دنبال آن‌اند؛ که هر شخص نفعی از چیزی عاید او گردد همچون مالک کارخانه باید متحمل هزینه‌هایی جهت امن ساختن محل کارخانه باشد و اگر شخصی در محیط کارخانه خطری به وی رسد جبران آن بر عهده مالک کارخانه است و اوست که از این کارخانه سود می‌برد و در مقابل باید متحمل آثار ناشی از این نفع باشد و آسیب کمتری به کارگر تحمیل شود و می‌توان با چنین تمهیداتی نوعی عدالت توزیعی در نظریه خطر ایجاد کرد. در حال حاضر نقش تأمین اجتماعی در جهان به نظر می‌رسد که از این نظریه و با دیدگاه علمایی است که قائل به عدالت اجتماعی و توزیعی است.

۲-۱-۳. عدالت توزیعی و نظریه تضمین حق

این نظریه را برای نخستین بار استارک، در رساله دکتری خود با عنوان «نظریه عمومی مسئولیت مدنی از جنبه کارکرد دوگانه تضمین و کیفر خصوصی» ارائه داد و در آثار بعدیش در صدد تقویت آن برآمده است.

از نظر استارک باید از «جنبه زیان‌دیده» به جستجوی مبنای مسئولیت مدنی پرداخت. به نظر وی نظریه‌های «خطر» و «تقصیر» که شرایط تحقق مسئولیت مدنی را تنها از جنبه واردکننده زیان مورد توجه قرار می‌دهند «شخصی» محسوب می‌شوند: طرفداران نظریه تقصیر تعهد به جبران خسارت را ناشی از تقصیر واردکننده زیان و طرفداران نظریه خطر آن را ناشی از ایجاد محیط خطرناک توسط وی و یا به دست آوردن نفع از فعالیتش می‌دانند. در حالی که این‌گونه استدلال اشتباه یا دست‌کم ناتمام است، زیرا به موقعیت حقوقی زیان‌دیده توجه نشده است. (استارک، ۱۹۵۸: ۵۰۱).

به نظر استارک هر کس حق دارد در جامعه به شیوه‌ای سالم، ایمن و مطمئن زندگی کند و حقوق انسانی او مورد تضمین قرار گیرد. هیچ‌کس حق ندارد سلامت، ایمنی و حقوق دیگر هموعان خود را به خطر اندازد. به محض این که حقی از بین رفت و خسارتی به کسی وارد شد، عامل زیان ملزم به جبران آن است و همین الزام و تعهد به جبران زیان، شالوده مسئولیت‌مدنی را تشکیل می‌دهد و آن را به وجود می‌آورد. در واقع یک جامعه مدنی بر پایه « اصل تأمین اجتماعی » بنا می‌شود و مسئولیت‌مدنی در چنین جامعه پیشرفته‌ای از فراگیری بیشتری بهره‌مند می‌گردد. (همان: ۵۰۳).

نتیجه: وجه اشتراک همه این نظریات جبران خسارت است و چگونگی جبران خسارت است که نظریه تقصیر با دیدگاه اثبات تقصیر توسط زیان دیده در برخی موارد جبران خسارت غیرممکن می‌گردد و نظریه خطر در برخی موارد اجحافی است در حق اشخاصی که سرمایه خود را جهت ایجاد اشتغال ایجاد کرده‌اند و نظریه تضمین حق، به فکر این است که هر کس حق دارد در جامعه به شیوه‌ای سالم، ایمن و مطمئن زندگی کند و حقوق انسانی او مورد تضمین قرار گیرد. هیچ‌کس حق ندارد سلامت، ایمنی و حقوق دیگر هموعان خود را به خطر اندازد. به محض این که حقی از بین رفت و خسارتی به کسی وارد شد، عامل زیان ملزم به جبران آن است و همین الزام و تعهد به جبران زیان، شالوده مسئولیت مدنی را تشکیل می‌دهد و آن را به وجود می‌آورد. در واقع یک جامعه مدنی بر پایه "اصل تأمین اجتماعی" بنا می‌شود و مسئولیت مدنی در چنین جامعه پیشرفته‌ای از فراگیری بیشتری بهره‌مند می‌گردد. به نظر می‌رسد نظریه تضمین حق تا حدودی هرچند اندک به عدالت توزیعی نزدیک است اما نگاه عدالت توزیعی به این مبناها نیست و چه مبنایی باید به کار رود تا عدالت توزیعی برقرار گردد. عدالت توزیعی به دنبال این است که بر اساس هر نظریه‌ای اگر شخص محکوم به جبران خسارت گردد، نباید غیر عادلانه جبران خسارت، شخص جبران کننده را به بدبختی و تهیدستی برساند و باید راه کارهای وجود داشته باشد تا خسارت جبران گردد مثل بیمه مسئولیت، مسئولیت مدنی دولت و مصادیقی چون عاقله، بیت‌المال و صندوق جبران خسارت‌های بدنی و با این وجود می‌توان عدالت توزیعی را در دو نظریه خطر و تضمین حق را با ارائه نظرات حقوقدانان به نفع جامعه برداشته شد تا زمینه تحقق عدالت توزیعی نیز به میان آمد و حقوق دانان را به فکر توزیع مسئولیت مدنی در جبران خسارت در میان جامعه، دولت و ... باشد و تنها واردکننده زیان را مجبور به جبران خسارت نماییم.

۲-۲. فرایند ایجاد عدالت توزیعی و مصادیق آن در تحقق اهداف مسئولیت مدنی

در این مبحث فرایند انتقال از عدالت معاوضی که هدف اساسی و غایی مسئولیت مدنی در حقوق ایران است، مورد چالش واقع می‌گردد. ای که چگونه عدالت توزیعی تحقق و در چه مواردی امکان اجرای آن مقدور و میسر است. آیا می‌توان در همه جا در جبران خسارت از عدالت توزیعی استفاده نمود یا اینکه عدالت توزیعی در برخی موارد به طور استثنائی اجرا می‌گردد. نهایتاً تأثیر عدالت توزیعی و پیامدهایی که عدالت توزیعی به دنبال خواهد داشت.

۲-۲-۱. دلایل و چگونگی تأثیر گذاری عدالت توزیعی در مسئولیت مدنی

در این مطلب به نحو ایجاد مکانیزم‌هایی به منظور انتقال از عدالت معاوضی به عدالت توزیعی را بررسی می‌کنیم و آثار ناشی از فرایندهای را بیان می‌کنیم. با به کارگیری برخی مکانیزم‌ها می‌توان به چگونگی تأثیر عدالت توزیعی و تقسیم جبران خسارت در بین اشخاص جامعه و در برخی موارد به کارگیری بیمه و یا دولت از اثرات ناگوار جبران کامل خسارت توسط شخص زیان‌زننده جلوگیری کرد.

۲-۲-۱-۱. فعالیت‌های گروهی و تقسیم مستقیم خطر

در فعالیت‌های گروهی ممکن است حوادثی اتفاق بیفتد و امکان اثبات تقصیر به دلیل نامشخص بودن شخص مقصر غیرممکن می‌شود. لذا:

الف: خسارت ناشی از شخص حقوقی حتی اگر تقصیری متوجه وی نباشد، به وی تحمیل می‌گردد.

ب: ایجاد مسئولیت گروهی و تحمیل آن بر کلیه اشخاص به‌طور تضامنی یعنی اینکه اگر خسارتی از شخص در گروه معینی حاصل شود خسارت به‌طور مساوی یا تضامنی بر عهده همگان خواهد بود.

در حقوق تجارت ایران، با توجه به اینکه مدیران و کلای شرکت هستند و به نمایندگی از شرکت اقدام می‌نمایند در صورت ارتکاب فعل زیان‌بار، شرکت مکلف است نسبت به جبران خسارت اقدام نماید و اگر شخص مدیر یا مدیران مرتکب تعدی و تفریط گردند، شرکت می‌تواند از باب تقصیر پس از اثبات رابطه سببیت، نسبت به خسارات پرداختی از آن‌ها به‌عنوان شخص حقیقی و در چارچوب خسارت فردی مطالبه نماید. در کشور فرانسه و در برخی از کشورهای غربی آرائی در این باب و تحمیل جبران خسارت توسط شرکت ناشی از تقصیر مدیر یا مدیران و تقدم جبران خسارت بر مقصر حقیقی، صادر شده است. لذا در صورتی که این نمونه از آراء از کشور فرانسه یا کشورهای دیگر که مسئولیت مستقیم شخص حقوقی را در جبران خسارت مقدم بر جبران خسارت شخص حقوقی می‌دانند در ایران رواج یابد، گامی است بسیار مهم در تحقق عدالت توزیعی و نیز دولت پا را فراتر از آن برد و نسبت به بیمه اجباری اعمال اعضا و مدیران شرکت در قبال خسارات و حوادث اقدام نماید.

۲-۱-۲-۲. مسئولیت تضامنی و مشترک گروه‌های فاقد شخصیت حقوقی

همان‌گونه در نظر غالب حقوق‌دانان مسئولیت تضامنی فرع است و در تضامن اصل بر نقل ذمه می‌باشد نه ضم ذمه، لازم است در راستای عدالت توزیعی مسئولیت تضامنی در خساراتی که از جمعی یا گروهی حادث می‌گردد و مقصر نیز ناشناخته است یا اینکه سود جمع مدنظر است، مسئولیت تضامنی و مشترک پذیرفته شود و به‌عنوان اصل در چنین مواردی مطرح گردد.

امروزه قوانین و رویه قضایی در برخی از کشورها، از جمله فرانسه، اگر حادثه‌ای توسط جمعی حادث گردد و مقصر حادثه مشخص نگردد و یا اینکه عامل زیان مجهول باشد، خسارت به‌صورت تضامنی جبران می‌گردد. «چنان‌که طبق رویه قضایی فرانسه، اگر در جریان شکار دسته‌جمعی در نتیجه شلیک گلوله‌ای که معلوم نیست از طرف کدام‌یک از شکارچیان شلیک شده است خسارتی به بار آید، تمام آنان به‌صورت تضامنی در مقابل زیان دیده مسئول جبران خسارت هستند. در خصوص حوادث ناشی از ورزش‌های گروهی و خسارات ناشی از جرائم ارتکاب شده توسط گروه‌های تبهکاران نیز که در بین آنان مقصر اصلی قبال شناسایی نیست، وضع به همین منوال است.

توجهات مختلفی برای این مسئولیت ارائه شده است؛ مانند «تقصیر جمعی»، «حفاظت جمعی» مطرح گردیده است. این امر هرچند خلاف حقوق خصوصی است اما می‌توان در قالب قانون‌گذاری و یا در قالب توافقات بیمه‌ای، مسئولیت تضامنی را به‌عنوان اصل در جبران خسارات جمعی توجیه ساخت تا از این طریق با هدف توزیع ضرر در بین جمع از آثار جبران خسارت و نیز تحمیل به شخصی خاص و نیز به‌طور کلی دوری از نگاه فردی به نگاه جمعی به این راه‌حل‌ها دست‌یافت.

روشن است این‌گونه توجهات فنی و حقوقی تنها راه‌حلی است برای تضمین حق جبران خسارت زیان‌دیده با هدف توزیع ضرر در بین اعضای گروه و سبک کردن بار سنگین مسئولیت آنان از این طریق و هم‌چنین اثر بخشیدن به قراردادهای بیمه مسئولیتی که توسط اعضای این گروه‌ها بسته شده است. (استارک، همان: ش ۶۱۱-۶۰۳).

۲-۱-۲-۲. بیمه مسئولیت مدنی و تقسیم غیر مستقیم خطرها

دولت‌ها باید از طریق قانون‌گذاری به‌منظور تحت پوشش قرار دادن کلیه خسارات نسبت به اجباری شدن بیمه‌ها اقدام کنند. فراگیر شدن بیمه مسئولیت مدنی در همه زمینه‌های قانونی و شرعی لازمه عدالت توزیعی است و لازمه امکان استفاده همه اقدار جامعه در همه زمینه‌ها و حمایت دولت و حاکمیت در راستای این امر است. در موارد مشروع و وجود تقصیر اشخاص جامعه ایجاد صندوق‌های حمایتی در چارچوب این بیمه مسئولیت مدنی لازم است.

فراگیر شدن بیمه مسئولیت مدنی، در همه زمینه‌های قانونی و شرعی، لازمه عدالت توزیعی است و به تبع آن پوشش همه اقشار در این نوع نگرش، به منظور حمایت از جامعه، و تقسیم و توزیع ضرر در میان افراد جامعه یا دولت است. این امر باعث ارتباط تنگاتنگی بین بیمه مسئولیت با مسئولیت مدنی شده است که باعث ایجاد تغییرات گسترده‌ای در نظام مسئولیت مدنی شده است که به گونه‌ای غیرمستقیم جمعی شدن خطرها و تقسیم تکالیف ناشی از مسئولیت مدنی در بین تعداد زیادی از افراد جامعه را در پی داشته است. در هر جا که بیمه مسئولیت توسعه پیدا می‌کند دیگر شخص تحت عنوان «مدیون یا واردکننده زیان» مطرح نمی‌شد و بیشتر نگاه به عنوان «بیمه‌گذار» یا «فراهم کننده بیمه» مطرح می‌گردد. در حال حاضر در حوادث رانندگی با توجه به اجباری بودن بیمه، اولین دغدغه زیان دیده، میزان پوشش بیمه و نیز عدم بطلان بیمه واردکننده زیان است. بنابراین باید در این زمان بیشتر به سوی رفت که حوادث غالب را به سوی بیمه‌های مسئولیت اجباری سوق داد و هدف در آن بیشتر توزیع ضرر و جبران همه خسارات حوادث و ارائه مکانیزم‌ها در تمام شرایط همچون بیمه اجباری در حوادث رانندگی که تمام مکانیزم‌ها دیده شده و در صورت هیچ خسارتی در حوادث رانندگی بدون جبران نیست.

۲-۲-۲. مصادق یابی عدالت توزیعی در حقوق ایران

در حقوق ایران نمی‌توان گفت که با مسئولیت دنی ناآشنا است. بلکه برخی مصادیق در حقوق ایران صورت پذیرفته که می‌توان به اختصار بیان داشت.

۲-۲-۲-۱. عاقله

به طور کلی جنایات بر سه قسم اند: جنایات «عمد»، جنایات «شبه عمد» و جنایات «خطای محض» مجازات شخصی که مرتکب جنایت عمدی شده است قصاص است، اعم از اینکه جنایت واقع شده قتل نفس باشد یا کمتر از آن مانند قطع عضو یا جراحت. اما اگر جنایت واقع شده عمدی نباشد اعم از اینکه شبه عمد باشد یا خطای محض می‌بایست «دیه» پرداخت شود. منتها چنانچه جنایت شبه عمد باشد مسئول پرداخت دیه خود جانی است و اگر خطای محض باشد این مسئولیت بر عهده «عاقله» جانی خواهد بود.

عاقله نیز که عبارت است از بستگان ذکور نسبی پدر و مادری یا پدری به ترتیب طبقات ارث در موارد زیر به طور مساوی مسئول پرداخت دیه خواهند بود. (فصیحی، ۱۴۰۰: ۵۵)

۲-۲-۲-۲. بیت‌المال

یکی از اصول مهم و مورد تأکید خاص شارع مقدس عدم جواز به هدر رفتن خون مسلمان است. چنان چه جنایت عمدی باشد جانی باید قصاص شود. مگر این که مجنی علیه یا اولیای دم او رضایت داده یا در مقابل دیه از قصاص جانی درگذرند. در صورتی هم که جنایت شبه عمد یا خطای محض باشد اثر آن وجوب پرداخت دیه خواهد بود. اما گاه که امکان قصاص (در موارد عمدی بودن جنایت) یا پرداخت دیه از سوی مسئولان پرداخت آن وجود ندارد. مانند اینکه قاتل در جنایت عمدی فرار کند یا قابل شناسایی نباشد یا این که شخص عاقله نداشته باشد هم چنان که در برخی موارد شخص خاصی در شرع مقدس به عنوان مسئول پرداخت دیه معین نشده است مانند موردی که قتل در اثر خطای قاضی رخ داده باشد. در این مورد شارع مقدس به منظور جلوگیری از هدر رفتن خون مسلمان مجنی علیه «دیه» مضر نموده و منبع تأمین آن را بیت‌المال مسلمین قرار داده است.

درواقع در این حالت شارع مقدس خسارت وارد شده را بر تمام مسلمانان سهیم در بیت‌المال توزیع نموده است. بی‌آنکه آنان کمترین نقشی در وقوع خسارت داشته باشند. این همان مفهوم «عدالت توزیعی در مسئولیت مدنی» است.

پرداخت دیه از بیت‌المال تحت موارد مشخصی انجام می‌گیرد که توسط قانون‌گذار بیان گردیده است به‌عبارتی دیگر این دیه به ورثه مقتول از بیت‌المال یعنی از طرف دولت پرداخت می‌شود. این موارد عبارت‌اند از: الف: یکی از موارد پرداخت دیه از بیت‌المال، زمانی است که در اثر اشتباه یا تقصیر قاضی پرونده، یک فرد، بی‌گناه محکوم می‌شود و بدین سبب متحمل خسارت بدنی می‌شود، بنابراین در این شرایط دیه قتل یا جراحت می‌بایست از بیت‌المال پرداخت شود. این مطلب به‌وضوح قانون مجازات اسلامی بدین نحو بیان گردیده است: «هرگاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا تطبیق حکم بر مورد خاص، ضرر و زیان مادی یا معنوی متوجه کسی گردد، در مورد ضرر مادی در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت خسارت به‌وسیله دولت جبران می‌شود. در موارد ضرر معنوی چنانچه تقصیر یا اشتباه قاضی موجب هتک حیثیت از کسی گردد باید برای اعاده حیثیت او اقدام شود.»

ب: ماده ۴۷۷ قانون مجازات اسلامی: «در موارد علم اجمالی به ارتکاب جنایت، توسط یک نفر از دو یا چند نفر معین، در صورت وجود لوث بر برخی از اطراف علم اجمالی، طبق مواد قسامه در این باب عمل می‌شود و در صورت عدم وجود لوث، صاحب حق می‌تواند از متهمان مطالبه سوگند کند که اگر همگی سوگند یاد کنند در خصوص قتل دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود و در غیر قتل، دیه به نسبت مساوی از متهمان دریافت می‌شود.»

در صورت حدوث لوث و عدم اثبات، دیه از بیت‌المال تأدیه می‌گردد. که ولی امر مسلمین به حرمت خون شخص مسلمان آن را پرداخت می‌نماید. عده‌ای بیان نموده‌اند هدف قانون‌گذار از وضع این ماده، کنار نهادن ضابطه قرعه و پذیرش رویکرد پرداخت دیه به‌تساوی از بیت‌المال بوده است، لذا در فرض وجود علم اجمالی به ارتکاب جنایت از سوی یک نفر از چند نفر معین، در فرض عدم وجود لوث صاحب حق می‌تواند از متهمان مطالبه سوگند کند، در فرض اقامه سوگند از سوی تمام متهمان، در قتل، دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود، در غیر قتل نیز باید قائل به دریافت دیه از متهمان به‌تساوی بود. (میرکمالی و صالح احمدی، ۱۴۰۰): در این خصوص رأی وحدت رویه صادر گردیده که پرداخت دیه از بیت‌المال را تأیید می‌نماید: «رأی وحدت رویه شماره ۷۹۰ — ۱۰/۴/۱۳۹۹ هیأت عمومی دیوان عالی کشور: قانون‌گذار به شرح مواد ۴۳۵، ۴۷۴، ۴۷۵ و ۴۸۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و با لحاظ موازین فقهی، در همه موارد قتل نفس یا مادون آن که به مرتکب دسترسی حاصل نشده است اعم از آن که شناسایی شده یا نشده باشد، پرداخت دیه از بیت‌المال را مقرر کرده است که البته در موارد شناسایی مرتکب و عدم دسترسی به وی، پرداخت دیه از بیت‌المال در صورتی ممکن است که ترتب مذکور در مواد قانونی مربوط رعایت شود بنا به مراتب، در مواردی که مرتکب صدمه عمدی مادون قتل شناسایی نشده باشد، پرداخت دیه بر عهده بیت‌المال است و رأی شماره ۱۳۶۵ مورخ ۲۳/۱۲/۱۳۹۶ شعبه ۲۴ دادگاه تجدیدنظر استان خوزستان تا حدی که با این نظر انطباق دارد به اکثریت آراء هیأت عمومی، صحیح و قانونی تشخیص داده می‌شود. این رأی طبق ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات بعدی، در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور، دادگاه‌ها و سایر مراجع اعم از قضایی و غیر آن لازم‌الاتباع است.»

۲-۲-۳. صندوق تأمین خسارت‌های بدنی

بهموجب ماده ۲۱ قانون اصلاح قانون بیمه اجباری مسؤلیت مدنی دارندگان وسایط نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث «به‌منظور حمایت از زیان‌دیدگان حوادث ناشی از وسایل نقلیه، خسارت‌های بدنی وارد به اشخاص ثالث که به علت فقدان یا انقضای

بیمه‌نامه، بطلان قرارداد بیمه، شناخته نشدن وسیله نقلیه مسبب حادثه، کسری پوشش بیمه‌نامه ناشی از افزایش مبلغ ریالی دیه یا تعلیق یا لغو پروانه فعالیت شرکت بیمه یا صدور حکم توقف یا ورشکستگی بیمه‌گر موضوع ماده (۲۲) قانون مذکور، قابل پرداخت نباشد، یا به‌طور کلی خسارت‌های بدنی که خارج از تعهدات قانونی بیمه‌گر مطابق مقررات این قانون است به‌استثنای موارد مصرح در ماده (۱۷)، توسط صندوق مستقلی به نام «صندوق تأمین خسارت‌های بدنی» جبران می‌شود.» و ماده ۲۲ «در صورت تعلیق یا لغو پروانه فعالیت شرکت بیمه در رشته بیمه شخص ثالث و ناتوانی آن از پرداخت خسارت به زیان‌دیدگان، به تشخیص بیمه مرکزی یا شورای عالی بیمه، یا صدور حکم توقف یا ورشکستگی آن به‌وسیله دادگاه صالح، صندوق، خسارات بدنی که به‌موجب صدور بیمه‌نامه‌های موضوع این قانون به عهده بیمه‌گر است را پرداخته، پس‌از آن به قائم‌مقامی زیان‌دیدگان به بیمه‌گر مراجعه می‌کند».

به‌موجب ماده ۲ قانون مذکور؛ موضوع فعالیت و تعهدات صندوق، جبران خسارت‌های بدنی وارد به اشخاص ثالث می‌باشد که به یکی از علل فقدان یا انقضای بیمه‌نامه، بطلان قرارداد بیمه، شناخته نشدن وسیله نقلیه مسبب حادثه، کسری پوشش بیمه‌نامه ناشی از افزایش مبلغ ریالی دیه یا تعلیق یا لغو پروانه فعالیت شرکت بیمه یا صدور حکم توقف یا ورشکستگی بیمه‌گر موضوع ماده (۲۲) قانون، یا به‌طور کلی خسارت‌های بدنی که خارج از تعهدات قانونی بیمه‌گر مطابق مقررات قانون به‌استثنای موارد مصرح در ماده (۱۷) قانون و سایر مصادیق مقرر در قوانین مربوط، قابل پرداخت نباشد. (افکار و عابدی، ۱۴۰۲: ۶۷)

نتیجه‌گیری

۱- عدالت توزیعی اقتضا نمی‌کند که در تمام عرصه‌ها و مراحل توزیع اموال و خیرات سیاسی و اقتصادی، برابری محض حکم‌فرما باشد. به‌عبارت‌دیگر تحقق عدالت و مساوات به این است که استحقاق افراد استحقاقی که ناشی از کار، نیاز و یا هر عامل دیگری است، ملاک قرار گرفته و آنچه به‌عنوان حق ادا می‌شود با مقدار استحقاق صاحب حق برابر باشد. تحقق عدالت توزیعی در مسئولیت مدنی در این است که دولت و سازمان‌های مسئول همه امکانات لازم را برای بهره‌مندی مردم از توزیع ثروت مهیا کنند. راولز معتقد بود که توزیع کالاهای اولیه به‌خصوص آزادی‌های اساسی باید به‌طور برابر صورت گیرد. وی نابرابری‌های توزیعی را به دو شرط دریافت به میزان تلاش مشاغل و توزیع به نفع پایین‌ترین طبقات مورد پذیرش می‌داند. از سوی دیگر شهید مطهری نظام توزیع در سه مرحله توزیع برابر امکانات اولیه، توزیع متناسب با استحقاق افراد در درآمد به وجود آمده و باز توزیع دارائی‌ها به‌منظور ایجاد توازن اجتماعی را مطرح نموده‌اند. امروزه بسیاری از زمینه‌ها از طریق نظریه عدالت اصلاحی که مبتنی بر مسئولیت فردی است نمی‌تواند به ضررها و بدبختی ناشی از آن مقابله کرد. از این‌رو عدالت توزیعی که مبتنی بر همبستگی اجتماعی است باید جانشین آن شود.

۲- تحلیل مسئولیت مدنی بر مبنای عدالت توزیعی به این معنی است که نقش مسئولیت مدنی تنها تنظیم رابطه خصوصی زیان‌دیده و واردکننده زیان و اختصاص ضرر به یکی از آن دو نیست، بلکه می‌توان به‌وسیله آن ملاحظات سیاسی و اهداف مربوط به مهندسی اجتماعی را دنبال کرد. یعنی نگاه به مسئولیت مدنی از دیدگاه حقوق عمومی باید صورت پذیرد تا بتوان عدالت توزیعی را بکار برد. دولت در تعیین نوع نظامی که از طریق بیمه اجباری و تأسیس صندوق‌های جبران خسارت و یا نظام عام تأمین اجتماعی خسارت شهروندان را جبران کند.

۳- عدالت توزیعی در حقوق ایران استثنائی است بر عدالت اصلاحی و نوعی از عدالت اجتماعی است که با توزیع خسارات در بین مسئولین آن، سعی در کاهش فشار به زیان‌زننده شده و با جبران خسارت قربانی، عدالت را برقرار

می‌کند. عدالت توزیعی باید از حالت فردی خارج شده و در قوانین کشورها، دولت در برخی موارد مسئول جبران خسارت شناخته شد. در این راستا؛ در نظام حقوقی ایران نیز پیش‌بینی مواردی نظیر صندوق‌های تأمین خسارات، بیمه اجباری، عاقله، بیت‌المال و ... به‌عنوان مهم‌ترین مصادیق مسئولیت مدنی مبتنی بر عدالت توزیعی معرفی شدند. به نظر می‌رسد با توجه به اصل بودن عدالت اصلاحی در حقوق ایران دولت باید خسارات غیرعمدی و ناشی از پیشرفت جامعه که می‌تواند نفع عمومی داشته باشد و از لوازم استفاده عامه مردم باشد با مکانیزم‌هایی خاص تحت پوشش بیمه‌ها قرار دهد و همچون مصادیق یاد شده در تحقیق برخی خال‌های دیگر را تحت پوشش عدالت توزیعی قرار دهد.

۴- مصادیق دیگر عدالت توزیعی در مسئولیت مدنی پوشش‌های بیمه‌ای بیان شدند که با عنایت به مطالعات صورت گرفته این نتیجه حاصل می‌شود که جبران کامل خسارت متضرر تنها در صورتی میسر است که از او حمایت اجتماعی شود که این خود بیانگر این نکته است که متضرر برای جبران خسارات خود اولاً به ارگان‌های اجتماعی مراجعه کند. در حقیقت هدف اصلی رویکرد توزیعی در بیمه‌های مختلف، زیان زدایی اجتماعی است. به همین علت می‌توان مبنای آن را در اتحاد و همبستگی اجتماعی بین افراد جامعه دانست. در این نگاه بایستی منابع جامعه، اعم از مالی یا غیرمالی مانند فرصت‌های اجتماعی، به نحوی در کل جامعه تقسیم شود که هرکس بر مبنای لیاقت و شایستگی خود از آن‌ها سودمند شود. در حقیقت مبنای دریافت از مزایا استعداد و شایستگی افراد است. در عین حال تنها امکانات و ثروت‌های جامعه توزیع نمی‌شود، بلکه آسیب‌ها و ضررها نیز باید برای عموم افراد جامعه باشد و همگی از آن سهم داشته باشند. بر همین اساس در حوادث ناشی از کار و وسایط نقلیه موتوری، بیمه اجباری بر مبنای عدالت توزیعی مورد پذیرش در بیشتر نظام‌های حقوقی شده و در ایران نیز با وجود خال‌های متعدد مبنی بر لزوم حمایت گسترده بیمه‌ای با توجه به پیشرفت‌های صنعتی و فناوری، در مواردی همچون بیمه مسئولیت شخص ثالث در رانندگی، بیمه حوادث ناشی از کار، بیمه‌های اجتماعی و ... به‌عنوان بیمه‌های اجباری شناخته شده و در قوانین جاری مورد حمایت قرار گرفته‌اند. دولت نیز با قرار دادن مکانیزم مالیات بر کارهای خطرناک و حادثه‌خیز نسبت به گسترش پوشش‌های بیمه‌ای اقدام نماید.

منابع

کتاب فارسی

- آرمان‌مهر، محمدرضا و متوسلی، محمود، (۱۳۸۹) تحلیل فلسفی روش‌شناسی رالز در استخراج معیار عدالت اقتصادی، فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی، شماره ۶۲، سال شانزدهم.
- ارسطو (۱۴۰۲) سیاست، ترجمه؛ حمید عنایت؛ چ یازدهم، تهران؛ شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- افکار، حمید و عابدی، محمد، (۱۴۰۲)، تحلیل اقتصادی صندوق تأمین خسارت‌های بدنی در پرتوی اصول کارایی و هزینه - فایده، دانشنامه حقوق اقتصادی، (دانشگاه فردوسی مشهد)، دوره ۳۰، شماره ۲۳.
- بادینی، حسن (۱۴۰۲)، فلسفه مسئولیت مدنی، چاپ پنجم، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- بادینی، حسن (۱۳۸۳)، هدف مسئولیت مدنی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی (دانشگاه تهران)، شماره ۶۶.
- بادینی، حسن و اسلامی‌فارسانی، علی (۱۳۹۲)، نقش انصاف در مسئولیت مدنی، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۱۷، شماره ۳.
- بادینی، حسن (۱۳۹۰)، بررسی تطبیقی قابلیت جبران (ضرر اقتصادی) در مسئولیت مدنی، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۱، دوره چهل و یک.
- بهرامی حسن آبادی، مهدی و برزگر خسروی، محمد (۱۴۰۲)، مقایسه تطبیقی وظایف اقتصادی دولت در قانون اساسی ایران و پاکستان، فصلنامه علمی مطالعات تطبیقی حقوق کشورهای اسلامی، دانشگاه ایلام، شماره ۴، دوره ۱.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۴۰۱)، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، چ نهم، ج ۴، تهران؛ گنج دانش.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷)، لغت‌نامه دهخدا، تهران، موسسه چاپ و انتشارات.
- رالز، جان (۱۴۰۲)، عدالت به‌مثابه انصاف؛ ترجمه عرفان ثابتی، چ ۷؛ تهران؛ انتشارات ققنوس.
- رالز، جان (۱۳۸۷)، نظریه عدالت، ترجمه سید محمد کمال سروریان، مرتضی بحرانی، چ اول، تهران؛ پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- سعادت مصطفوی، سید مصطفی و پایکاری، محمد جواد (۱۳۹۶)، نگرشی جدید به مبانی مسئولیت مدنی در حقوق ایران و فقه امامیه، دو فصلنامه آموزه‌های حقوقی گواه، سال سوم، شماره اول.
- فصیحی، عبدالخالق، (۱۴۰۰) نهاد عاقله در حقوق اسلام، دو فصل نامه مطالعات حقوق اسلامی، سال هفتم شماره ۱۵.
- مولوی، محمد و حاجی عزیززی، بیژن و غلامی، نگین، (۱۳۹۷)، مبانی اقتصادی توزیع خسارت در مسئولیت مدنی، مجله مطالعات حقوقی، (شیراز)، دوره دهم، شماره سوم.
- عربی، سید هادی (۱۳۹۹) نظریات عدالت توزیعی، چ دوم، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، انتشارات سبحان.
- کاتوزیان، ناصر (۱۴۰۲)، حقوق مدنی، الزام‌های خارج از قرارداد، ضمان قهری، تهران، چ ۵، ج ۱، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۳)، فلسفه حقوق، ج اول، تهران؛ شرکت سهامی انتشار.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۶)، بیست گفتار، چ ۶، تهران، انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۴۲۰ ق)، بررسی اجمالی مبانی اقتصاد اسلامی، تهران، انتشارات حکمت.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۰)، عدل الهی، تهران، انتشارات صدرا.

میرکمالی، علیرضا و صالح احمدی، سحر، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی (جلد اول). چاپ ۴. گالوس، ۱۴۰۰. شماره فیش در پژوهشکده حقوق و قانون ایران: ۶۲۷۶۲۸۰.

نصرارکن، حجت و محمدرضا پور اوزان، بابک و مولایی، یوسف، (۱۳۹۸)، بررسی جایگاه عدالت توزیعی در مسئولیت مدنی، فصلنامه علمی تحقیقات حقوقی بین‌المللی، دوره ۱۲، شماره ۴۵.

هایک، فردریش آگوست فون (۱۳۸۵)، در سنگر آزادی، گردآورنده و مترجم عزت اله فولادوند، چاپ سوم، تهران: لوح فکر.

هولمز، رابرت آل (۱۳۸۲)، مبانی فلسفه اخلاق، مترجم مسعود علیا، تهران، انتشارات ققنوس.

واعظی، احمد (۱۳۸۴)، جان رالز، از نظریه عدالت تا لیبرالیسم سیاسی، چ اول، قم: مؤسسه بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم).

منابع عربی

السنهوری، عبدالرزاق، الوسیط فی شرح القانون المدنی الجدید، جلد نهم، بیروت: داراحیاء التراث العربی، بیتا.

السنهوری، عبدالرزاق احمد (۱۳۸۴)، دوره حقوق تعهدات: منابع تعهد، ترجمه سید مهدی دادمرزوی و محمدحسین دانش‌کیا، قم، دانشگاه قم، ج ۲.

جبری محمد حبیب، دکتر عادل: المفهوم القانوني لرابطة السببية و انعكاسه فی التوزيع عبء المسؤولية.

منابع لاتین

Blakely, G.L., Andrews, M.C., and Moorman, R.H. (2005). The moderating effects of equity sensitivity on the relationship between organizational justice and organizational citizenship behaviors. *Journal of Business and Psychology*, 20/2: 259-273.

Calabresi, Guido, (2005). Some Thoughts on Risk Distribution and Law of Tort, *The Yale Law Journal*; vol: 70, 2005

Gordley James, Taylor von Mehren Arthur, (2009). *An Introduction to the Comparative Study of Private Law: Readings, Cases, Materials*: Cambridge university press: 55.

Mazeud (Henri, Leon et Jean) (1971)., *Lecons de droit Civil, t. II volume premier, obligation* 4e ed, par Michel de Juglart ed, par F. chabas, paris.

Volcanoes, Mary L. (1997). *Law above Nations*. University Press of Florida.

Van Genden Loos v. (2004). *Nederlandse Administratie der Belastingen*.

